

رویکرد ایرانیان سده بیستم به الگوی ژاپنی در روند مدرن سازی* (با تکیه بر مدرن سازی آموزشی و آموزش زنان)

_____ زهرا حامدی**

زهرا علیزاده بیرجندی***

چکیده

رویکرد ایرانیان به ژاپن به عنوان الگوی شرقی و نمونه موفق مدرن سازی در سده بیستم، دلایل متعددی دارد. بخشی از این دلایل مربوط به پیشینه و سوابق مطلوب این الگو در ذهن ایرانیان سده نوزده و برخی دیگر مربوط به وجوه اشتراک و همسانی‌هایی است که این دو جامعه را به هم پیوند می‌داد. در کنار این دلایل، تاثیر لطمه‌های ناشی از تکاپوهای استعماری کشورهای غربی - که منجر به بروز احساسات شدید بیگانه‌هراسی به ویژه در مورد روس و انگلیس شد - نیز درخور توجه است. مقاله حاضر ضمن بررسی علل این رویکرد، با تاکید بر مدرن سازی آموزشی و آموزش زنان، بازتاب آن را در جراید و افکار عمومی نمایان ساخته است. در این بررسی نشان داده شده است که نخبگان فکری سیاسی در رویارویی با این الگو صرفاً به بیان مصادیق پیشرفت‌های ژاپن در عرصه‌های مختلف پرداخته‌اند و از تبیین و واکاوی علل ترقی غفلت ورزیده‌اند.

واژگان کلیدی: ژاپن، ایران، مدرن سازی، آموزش،

سده بیستم.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۴/۲۰

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد داراب

E-mail: z_hamed2003@yahoo.com

E-mail: zalizadehbirjandi@gmail.com

*** استادیار دانشگاه بیرجند

نخبگان سیاسی و فکری ایران در روند نوگرایی سده نوزدهم و تحقق ایده‌های نوسازی در سده بیست، ژاپن را به عنوان نمونه الهام‌بخش تجدد مورد توجه قرار دادند. موفقیت‌های ژاپن در عرصه‌های سیاسی و در پی‌گیری و تحقق نوسازی و صنعتی شدن - آن هم در دوره‌ای که اکثر کشورهای آسیایی و آفریقایی درگیر مشکلات ناشی از زیاده‌طلبی‌های استعماری بودند - اهمیت این الگوی شرقی تجدد را نزد روشنفکران و سیاست‌گزاران جهان سوم فزون‌تر می‌کرد. یکی از حوزه‌هایی که موجبات تحسین سایر کشورها و به‌ویژه ایران را نسبت به ژاپن برانگیخت، مدرن‌سازی نظام آموزشی بود. در محافل روشنفکری و مطبوعات ایران روحیه ژاپنی‌ها و اقدام آنها در گسترش آموزش عمومی در ژاپن به خصوص برای زنان مورد تحسین قرار گرفت و از ضرورت اقتداء به آنها برای طی طریق در مسیر نوسازی سخن گفته شد. جایگاه مدل ژاپنی تجدد در فرایند نوسازی آموزشی و دلایل رویکرد ایرانیان به این الگو سوال محوری پژوهش حاضر است.

جایگاه الگوی ژاپنی در فرایند مدرن‌سازی آموزشی

تصویر ژاپن برای مردم خاورمیانه نمونه‌ای ایده‌آل و سمبل موفقیت در ساماندهی دولت نوین و به انجام رساندن تجدد است. نموده‌های تاثیر این الگو در آثار نویسندگان بلند آوازه ایران، مصر و ترکیه قابل پی‌گیری است. از جمله طیار صدیقلر نویسنده ترک، در بحثی پیرامون «الگوهای ترقی و ترکیه» به مقایسه اقدامات دو کشور ژاپن و ترکیه در امر نوسازی پرداخته و از ژاپن به عنوان نمونه موفق تجدد یاد کرده است. (سوگیتا، ۱۳۸۳: ۲۰۳)

در واقع در دو سده ۱۹ و ۲۰ پاسخ مناسبی برای مسأله محوری و دغدغه ذهنی روشنفکران شرقی بوده است که چگونه یک کشور غیر غربی می‌تواند به پای غرب برسد

و از آن پیشی گیرد. (اتابکی، ۱۳۸۵: ۷)

ایرانیان نیز اخبار ترقیات و پیشرفت‌های ژاپن سده‌های ۱۹ و ۲۰ را در حوزه‌های گوناگون فرهنگی و سیاسی دنبال کرده و در کتاب‌ها و مطبوعات خود بروز تحولات و نوسازی در آن کشور را می‌ستودند. برای تحلیل و ارزیابی علل این واکنش‌ها و رویکرد به مدل ژاپنی تجدد از سوی ایرانیان باید چهار نکته اساسی را مدنظر قرار داد:

۱. شرایط و ویژگی‌های جامعه ژاپن در سده‌های ۱۹ و ۲۰

۲. شرایط و ویژگی‌های جامعه ایران در این دوران

۳. شرایط و ویژگی‌های همسان و مشابه در دو کشور ایران و ژاپن

۴. وجوه تمایز دو جامعه

ایران و ژاپن تقریباً هم‌زمان، از نخستین دهه‌های سده نوزدهم، نوگرایی را آغاز کردند. توجه به عقب‌ماندگی‌های فنی و نظامی سبب تکوین نوگرایی در هر دو کشور با رویکرد نظامی شد. در فرایند نوگرایی و اصلاحات نیز شباهت‌های زیادی میان دوره اصلاحات میجی و اصلاحات امیرکبیر و همچنین اصلاحات ایتو، نخست‌وزیر دوره میجی با سپهسالار وجود دارد. (مطبع، ۱۳۸۷: ۱۴-۱۲)

نکته مهم دیگر، ویژگی‌های جامعه سنتی ژاپن و ایران است که یکی از نمودهای آن وضعیت زنان و فرودستی آنها نسبت به مردان است. دکتر ژوهی نیتو، نماینده زنان ژاپن در دومین کنگره عمومی نسوان شرق که در آذر ۱۳۱۱ در تهران برگزار شد، با اشاره به وضعیت زنان ژاپنی در سخنرانی خود اظهار داشت که:

«تا به حال در مشرق زمین گمان می‌رفت که زنان از مردان پست‌ترند. در روزگار پیشین این فکر در ژاپن هم حکمفرما بود. ولی در این «مملکت شکوفه‌های گیلاس» هیچ چیز بیش از زن تغییر وضع نیافته و پا به دایره ترقی نگذاشته است.» (سلامی؛ نجم

نکته دیگری در بحث شباهت‌ها، توجه نوگرایان دو کشور به اصلاح آموزشی به عنوان پیش شرط اصلاحات سیاسی و اجتماعی است. در ایران سده نوزدهم به تدریج که اندیشه‌گران نوگرا از عمق و وسعت عقب‌ماندگی ایران آگاهی پیدا کرده و دریافته‌اند که آموزش جدید به سبک اروپایی، مهم‌ترین درمان دردهای اجتماعی و سیاسی است، به اتخاذ هدف‌های آموزشی فراگیر ترغیب شدند و بدین سان اصلاح آموزشی در مدرن‌سازی، نقشی فراتر از یک مولفه پیدا کرد و به صورت عامل اصلی تغییر درآمد. (Ringer, 2001: 3)

نخستین گام‌های توسعه فرهنگی و اصلاح آموزشی در دوره قاجار با تأسیس دارالفنون برداشته شد و علیرغم مخالفت‌ها و موانع متعددی که در مسیر پیشرفت دارالفنون قرار داشت، منشاء تغییرات مهمی در جامعه سنتی آن روزگار گشت. در ژاپن نیز نخستین رهبران دوره میجی به اهمیت آموزش و پرورش در حکومت تازه استقرار یافته خود، آگاه بودند و برای صنعتی کردن کشور آن را از عوامل عمده به شمار می‌آوردند. در فرایند نوسازی و صنعتی شدن کشور ژاپن، آموزش و پرورش، نخست مایه‌های ایستادگی و پایداری سنتی مردم را در برابر تمدن نو خنثی کرد و لרزش‌های ناشی از انتقال از یک جامعه سنتی به جامعه صنعتی را به حداقل رسانید، سپس مردم را به ارزش سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش آگاه ساخت. در سال ۱۸۷۱م. وزارت آموزش و پرورش در ژاپن شکل گرفت و مسئولان، برنامه بلندپروازانه آموزش همگانی را پی‌ریزی کردند. در نتیجه آموزش و پرورش نوین به دور از امتیازهای اشرافی و طبقاتی و آزاد از نفوذ گروه‌های مذهبی کار خود را آغاز کرد. (طوسی، ۱۳۷۱: ۱۹-۱۷؛ واردی، ۱۳۷۴: ۲۶)

در اصلاح آموزشی ژاپن، نخست الگوی فرانسوی و سپس آمریکایی مورد اقتباس قرار گرفت. در دهه ۱۸۸۰م. تغییرات دیگری نیز در نظام آموزشی روی نمود. همگرایی تأثیرات ملیت‌پرستی و کنفوسیوسی و آلمانی باعث تأکید بر برتری دولت شد (مرتون، ۱۳۶۴: ۱۹۷).

همراه با اصلاحات آموزشی، گرایش به ترجمه آثار غربی نیز در این دوران اوج گرفت. از ترجمه‌های آن زمان می‌توان از روبنسون کرزونه (۱۸۵۹م.) و اعتماد به نفس اثر ساموئل اسمایلز (۱۸۷۰م.) و در آزادی اثر جان استوارت میل (۱۸۷۱م.) نام برد.

ژاپنی‌ها در این دوران به نوشتن رمان پرداختند و کارهای نو و جسورانه‌ای نمودار ساختند که مضمون برخی از آنها مربوط به جنبش‌های انقلابی جهان بود. در ترجمه‌ها علاوه بر متون ادبی، علوم غربی نیز به جامعه ژاپن راه یافتند. (همان: ۲۰۰) روند ترجمه، انتقال و علوم متون ادبی غرب و ایجاد سبک‌های ادبی جدید از قبیل رمان در ایران عصر قاجاریه نیز دنبال شد. (علیزاده بیرجندی، ۱۳۸۷: ۱۲۴-۱۲۳) در مجموع می‌توان میان اصلاحات آموزشی و فرهنگی عصر میجی و اصلاحات فرهنگی و آموزشی دوران امپریر کبیر در ایران شباهت‌هایی را مشاهده کرد.

در سده نوزدهم - با اوج‌گیری جریان نوخواهی - ایرانیان، آگاهی‌های نسبتاً فراوانی درباره ژاپنی‌ها به دست آوردند و مانند دیگر کشورهای آسیایی علاقه وافری داشتند که ژاپن بر روسیه در جنگ ۱۹۰۴م. غلبه کند. پیروزی ژاپن بر روس و انقلاب مشروطه آن، روشنفکران ایرانی را بیش از همه تحت تاثیر قرار داد و سبب شد که نه تنها در آثار خود، نوسازی و تحولات ژاپن را ستایش کنند، بلکه شخصی چون طالبوف را بر آن داشت تا قانون اساسی ژاپن رابه فارسی برگرداند. (حائری، ۱۳۶۴: ۱۹۱) این پیشینه‌های نوگرایی و پیوندهای دو کشور، در گرایش نخبگان سیاسی و فکری سده بیست ایران به الگوی ژاپنی بی‌تاثیر نبوده است. چنانکه در فرایند مدرن‌سازی آموزشی در عصر پهلوی اول، متابعت از این الگو و ستایش آن به‌ویژه در دهه اول حکومت رضاشاه، رواج فوق‌العاده‌ای پیدا کرد. این رویکرد در سطوح مختلف نخبگان سیاسی از شاه گرفته تا سایر دولتمردان و همچنین در سطح نخبگان فکری نیز مطرح بود.

آکی نو کازاما، نخستین وزیر مختار ژاپن در ایران، در سفر نامه خود از خاطره دیدارش با رضاشاه به هنگام تقدیم استوار نامه‌اش یاد کرده است و به سخنرانی شاه ایران در این دیدار اشاره دارد. این سخنان بر اهمیت ژاپن نوین از منظر رضاشاه حکایت می‌کند. رضاشاه در پاسخ به نطق سفیر ژاپن چنین گفت:

کشور پادشاهی ژاپن عظمت والا و فرهنگ درخشان دارد و به پیشرفت‌های شگفت‌انگیز نائل آمده است. بسیار خوشحالم که شما شکوه ایران باستان و احیای آن را در عصر حاضر ستودید»

و در ادامه سخن خود در ستایش از پیشرفت‌های ژاپن بیان کرد که:

«پیشرفت‌های گرانبسنگ ژاپن نوین را می‌ستایم و ژاپن را پیشدار سزاوار تحسین کشورهای شرقی و آسیایی می‌دانم. ژاپن و ایران از نظر جغرافیایی از هم دورند، اما دل‌های مردم آن‌ها بسیار به هم نزدیک است. ما برای پیشرفت آسیا در هر زمینه، آماده تعاون و تلاشیم. چون این دو کشور با هم رابطه‌ی معنوی دارند باید از هر کشور ثالثی بیشتر به هم نزدیک‌تر بشوند. این نه فقط به خاطر مناسبات ایران و ژاپن که برای صلح پایدار در مشرق زمین است. مایه خوشوقتی فراوان است که دو کشور ما به افتتاح مناسبات و مبادله سفیر توفیق یافته‌اند. (کازاما، ۱۳۸۰: ۵۵)

یکی از حوزه‌هایی که در دوران رضاشاه تحت تأثیر برنامه‌های مدرن‌سازی او تغییر عمده‌ای پیدا کرد، آموزش و پرورش بود. در واقع برای تبیین سیاست آموزشی دوره رضاشاه باید شاخصه‌های اصلی حکومت او یعنی تجدد، تمرکزگرایی، ناسیونالیسم، نظامی‌گری و سکولاریسم مدنظر قرار گیرد. اقدامات حکومت پهلوی در حوزه آموزشی با انجام تغییراتی در برنامه درسی مدارس، چاپ کتب درسی، لباس متحدالشکل برای دانش‌آموزان ابتدایی (ماتی، ۱۳۸۲: ۱۸۹) افتتاح مدارس فنی و حرفه‌ای، تأسیس مدرسه دارالمعلمین، گسترش آموزش عالی، تأسیس دانشگاه تهران و آموزش بزرگسالان و زنان صورت گرفت. (همان: ۱۹۲-۱۹۰)

سیاست آموزشی پهلوی اول بر بنیاد شالوده‌های ایدئولوژیک نظام و تبعیت از اولویت‌های سیاسی استوار بود. از این رو نظارت حکومت مرکزی و یکپارچگی (تمرکزگرایی)، خط مشی اصلی برنامه‌های آموزشی او را تعیین می‌کرد. با تاجگذاری رضاشاه و تحکیم قدرت او در سال ۱۳۰۵ ش. سلطه دولت افزایش بیشتری یافت که بازتاب آن تصویب قانونی در همان سال بود که وزارت آموزش و پرورش را مکلف می‌ساخت تا امکان آموزش برای همه ملت را فراهم سازد. ژاپن در زمینه آموزش همگانی و نهادینه کردن آن بر ایران پیشی گرفته بود، زیرا در قانون سال ۱۸۷۲ م. این مسأله لحاظ شده بود. (kumagai,n.d:29)

برنامه آموزش همگانی افزون بر ارتقای سطح فرهنگ عمومی، اهداف ایدئولوژیک نظام حکومتی را نیز تأمین می‌کرد. نکته درخور توجه آنکه ژاپن یکی از کشورهایی بود که در سده بیست رابطه آموزش و سیاست در آن تقویت شد. (کانل، ۱۳۶۸: ۵۸) پیوندهای آموزش و سیاست در سال ۱۹۳۰ م. به آنجا رسید که وزارت آموزش و پرورش ژاپن دایره کنترل محصلان را تأسیس کرد که کارش بررسی و هدایت افکار شاگردان بود. اما وظیفه دیگر دایره مزبور در واقع تفتیش عقاید و تعقیب قانونی دارندگان افکار خطرناک از یک سو و هدایت افکار شاگردان از طریق تبلیغات بود. (همان: ۵۱۲)

بدون تردید این ویژگی‌ها قادر بود که مدل ژاپنی را در منظر رضاشاه مطلوب و مناسب جلوه دهد. اما همان‌گونه که پیش از این، اشاره شد، الگوی مدرن‌سازی آموزشی ژاپن، تنها برای نخبگان سیاسی مطلوبیت نداشت، بلکه در میان نخبگان فکری و اصحاب رسانه نیز قابلیت متابعت را پیدا کرد. بهترین نمونه‌های این گرایش را می‌توان از طریق مقالاتی که در مجله‌های آن دوره منتشر می‌شد، دریافت.

برای نمونه مجله عالم نسوان در شماره‌های متعدد خود ضمن تشریح وضعیت زنان ژاپن و محدودیت‌های آنها در جامعه ماقبل صنعتی و مدرن، از اصلاحات مدرن و اقداماتی که سبب تحول موقعیت زنان این کشور در ابعاد مختلف شده است، سخن می‌گوید. (عالم

نسوان، سال هفتم، ش ۷ و ۸، ۱۳۵۷: ۲۶۸ - ۲۶۵؛ همان، سال پنجم، ش دوم، بهمن ۱۳۰۵: ۵۲ - ۵۱)

«اخبار ترقیات نسوان ژاپن» تیر مهم مقاله‌های جراید ایران را در آن دوره تشکیل می‌داد. نویسندگان این مقاله‌ها ضمن ارزیابی تأثیرات جنگ جهانی اول در تحول ژاپن، بر پیشرفت‌هایی که در وضعیت آموزشی زنان در سطوح مختلف ابتدایی، متوسطه و عالی رخ نموده بود، تأکید می‌کردند. گسترش آموزش زنان علاوه بر افزایش دانش و کارآمدی آنها جهت مشارکت در امور اجتماعی و تصدی مشاغل مختلف، نگرش آن‌ها را نیز به جایگاه و موقعیت‌شان در جامعه تغییر داد و به افزایش مطالبات آنها در عرصه‌های گوناگون منجر شد. این نکته در بخش‌هایی از مقاله اخبار ترقیات نسوان در مجله عالم نسوان این‌گونه بازتاب پیدا کرده است: «امروزه در یک دنیای جدید زندگانی می‌کنیم و علایمی در دست داریم که از این به بعد زنان ژاپن حرکات مستبدانه شوهران و برادران خود را مثل سابق با فروتنی متحمل نمی‌شوند. عدم ناراحتی قلب و اشتیاق به استفاده از لذایذ حیاتی روز به روز در نسوان اهمیتش زیادتر می‌شود. ترقی صنعت و روابط تجاری ژاپن با سایر ملل دامنه شغل و هنر را به اندازه‌ای بسط داده که نسوان در بسیاری از کارهای مردانه دخالت پیدا کرده‌اند. ... با وجود ترس و ضدیت جنس مخالف که سیادت خود را در مخاطره می‌بیند قیام زنان برای اخذ حقوق طبیعی خود پیشرفت کرده و ترقیات آن‌ها روزافزون است. (عالم نسوان، ۱۳۰۰، ش اول، سال دوم: ۳۴ - ۲۸، همان، ۱۳۵۷، ش ۲، سال هفتم: ۵۳-۵۱)

یکی از مهم‌ترین جرایدی که اخبار پیشرفت‌های آموزشی ژاپن را به‌ویژه در ارتباط با آموزش زنان درج کرده است، مجله تعلیم و تربیت است. صاحب امتیاز این مجله، علی

اصغر حکمت از سیاست‌گزاران آموزش ایران در عصر پهلوی اول است. درج اخبار معارف ژاپن در این مجله از توجه متولیان نظام آموزشی ایران به الگوی ژاپنی حکایت می‌کند. در شماره‌های مختلف این مجله آگاهی‌هایی در مورد وضعیت مدارس دولتی، مدارس فنی (مدارس مربوط به تجارت، کشتی‌رانی، ماهی‌گیری، هواپیمایی و غیره)، آکادمی شاهنشاهی ژاپن، اداره صحت مدارس، مدارس دولتی مخصوص السنه خارجه و دانشگاه‌های ژاپن در اختیار خوانندگان قرار می‌گرفت. (مجله تعلیم و تربیت، سال سوم، ش ۶ و ۵، ۱۳۰۶: ۳۱۶-۳۲۱) در یکی از مقاله‌های این مجله، گزارشی در باب دارالمعلمین عالی ژاپن در سال ۱۹۲۳ م. آمده است که در کادر علمی آن، اسامی ۶ پروفسور زن به چشم می‌خورد. (همان: ۳۱۷) این گزارش‌ها و مقایسه ایران با ژاپن موجبات آگاهی و تهییج ایرانیان را در کسب مراحل ترقی فراهم می‌کرد. نوع نگاه و نحوه تحلیل اخبار ترقیات ژاپن در جراید مختلف با یکدیگر، تفاوت داشت. برای نمونه در شفق سرخ عامل گشوده شدن درهای تمدن به روی زنان ژاپنی، تحصیل طب و طبابت معرفی شده بود. از این‌رو در این جریده پیشرفت‌های زنان ژاپنی در رشته‌های مختلف پزشکی مدنظر قرار گرفت. (شفق سرخ، ۱۳ تیر ۱۳۰۸، ش ۱۲۴۶، سال هشتم: ۳)

زنان ژاپن در سده بیست، علاوه بر حوزه‌های آموزشی در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی نیز در میان زنان شرقی پیشگام بودند. در این زمینه می‌توان گزارش‌هایی را در جراید ایران در زمینه توجه زنان ژاپن به ایجاد انجمن‌های خیریه، تأسیس تشکیلات ملی و مجامعی جهت مبارزه با مفاسد اجتماعی و برپایی جامعه سالم مشاهده کرد. (عالم

نسوان، ۱۳۰۰، ش چهارم، سال دوم: ۲۷ - ۲۴؛ شفق سرخ، ۱۳۰۵، سال پنجم، ش ۶۵۶: ۲)

در مورد پیشرفت‌های زنان ژاپن، گزارشی که خانم دکتر ژوهی نیتو - نماینده زنان ژاپن - در دومین کنگره عمومی نسوان شرق در تهران ارائه کرد، نسبت به سایر نوشته‌ها

جامعیت و تأثیر بیشتری در جامعه ایران داشته است. «نیتو» در سخنرانی خود در مورد تعلیم و تربیت زنان، جراید ماهیانه زنان، تعداد شاغلین زن، وضعیت ازدواج و جمعیت‌های زنانه در ژاپن توضیحات کاملی ارائه کرده است که بدون تردید همه زنان حاضر و به‌ویژه زنان ایران را سخت تحت تأثیر قرار داد. برای مثال در مورد تعداد جمعیت‌های زنانه فعال در ژاپن مقارن حکومت رضاشاه گزارشی ارائه داد که درخور توجه است. وی جمعیت‌های فعال را تفکیک و به شرح ذیل طبقه‌بندی کرد:

۱. جمعیت‌های زنان مخصوص خدمات اجتماعی، ۲۲ جمعیت.
۲. جمعیت‌های زنانه سیاسی و اقتصادی، ۱۴ جمعیت.
۳. جمعیت‌های کارگری زنانه، ۱۴ جمعیت.
۴. جمعیت‌های فنی و آرتیستی ۳۲ جمعیت. (سلامی و نجم‌آبادی: ۷۳)

شواهدی که شرح آن آمد، نشانگر اقبال جامعه ایران به الگوی ژاپنی مدرن‌سازی است. نخبگان سیاسی و فکری در رویکرد به الگوی ژاپنی صرفاً به ذکر پیشرفت‌ها و بیان اخبار ترقیات آنها در حوزه‌های گوناگون بسنده کردند و اگر هم بحثی در باب علت این پیشرفت‌ها می‌شد به تبیین سطحی قناعت می‌کردند.

در میان نخبگان فکری آن روزگار واکاوی عمیقی در شیوه‌های رویارویی سنت و تجدد در ژاپن صورت نگرفت و بیان مصادیق پیشرفت بر واکاوی علل و مباحث مفهومی، سیطره پیدا کرد. برای جستجوی دلایل پیشرفت و ترقی ژاپنی‌ها، بررسی و شناخت روحیات فردی و اجتماعی آنها ضروری است. ژاپنی‌ها از دیرباز به سخت‌کوشی و خوداتکایی مشهور بوده‌اند. این دو خصیصه با ویژگی‌های طبیعی و شرایط نامساعد این کشور رابطه تنگاتنگی دارد. مردم این کشور همواره مجبور بوده‌اند با حداقل امکانات در راه رسیدن به اهداف خود کوشش کنند. ویژگی‌های دیگری که به نوعی در مسیر

پیشرفت ژاپنی‌ها تأثیرگذار بوده است عبارتند از: صرفه‌جویی و قناعت، نظم و انضباط، مدیریت زمان، توجه به نظافت و بهداشت، علاقه به طبیعت، احترام به بزرگان و افراد باتجربه و اهمیت دادن به کار گروهی. ژاپنی‌ها این روحیات را از آغاز در کودکان خود رشد داده و همواره به تلفیق و تکرار این روحیات می‌پردازند. (جعفریان، ۱۳۷۳: ۳۴-۳۱)

اما مهم‌ترین بحث در دلایل پیشرفت ژاپن که نخبگان سیاسی و فکری ایران سده‌های بیست، چندان به آن نپرداخته‌اند و از مباحث مورد غفلت محافل روشنفکری است، رویارویی سنت و تجدد در جامعه ژاپن است. در واقع بارزترین مشخصه جامعه ژاپن، سنتی ماندن در عین پیشرفت و صنعتی شدن است.

ژاپنی‌ها در طی مسیر تحول، با بازنگری در اندیشه‌های کهن و دمیدن روح نو در کالبد سنت‌های دیرین به تطبیق گذشته و حال پرداختند. شگفت آن‌که در این گذار، تعلیمات کنفوسیوس، دستمایه کار قرار گرفت. در بازبینی اندیشه‌های سنتی - اعم از مذهبی و غیرمذهبی - بود که اطاعت از یک ارباب به اطاعت از سازمان، گروه کار و منافع ملی تبدیل شد. مکتب نئوکنفوسیوس اخلاقی و عملی و ادغام آن با باورهای مکتب شینتو که تا آن زمان خاص درباریان بود، ایدئولوژی پویا و گسترده‌ای در سطح ملی ایجاد کرد که با نیازهای جدید تأسیس دولت مرکزی، ایجاد حس ملیت و وطن‌پرستی، و مدیریت از بالا و حفظ منافع ملی در برابر روش‌ها و افکار غرب همخوان می‌شد. کلام آخر اینکه، نو سنت‌گرایی^۱ روشنفکران دوران اول و دوره‌های بعدی عامل توسعه ژاپن در روند مدرن‌سازی بوده است. (ناکانه، ۱۳۶۹: ۱۱-۱۰ مقدمه)

^۱ Neo-traditionalism

نتیجه

رویکرد ایرانیان به الگوی ژاپنی مدرن‌سازی دلایل متعددی داشت. وجود پاره‌ای همسانی‌ها (عمده‌ترین آن شرقی بودن)، پیروزی ژاپن بر روسیه تزاری در اوایل سده نوزدهم، بیگانه‌هراسی به‌ویژه در قالب انگلوفوبیا^۱ و روسوفوبیا^۲، وجود گرایش غرب‌ستیزانه در میان برخی از ایرانیان و تمایل رضاشاه به برقراری روابط سیاسی و تجاری با ژاپن و تداوم آن از مهم‌ترین دلایل مطلوبیت ژاپن در روند نوسازی محسوب می‌شود. پیوندهای آموزش و سیاست، سیاست تمرکزگرایی در عرصه آموزش در ژاپن و اقدامات ژاپن در آموزش زنان نیز در توجه رضاشاه به ژاپن به عنوان نمونه ایده‌آل مدرن‌سازی موثر بود. نموده‌های این رویکرد در بازتاب رسانه‌ای الگوی ژاپنی و اتخاذ سیاست‌های آموزشی و فرهنگی مشابه ژاپن در میان نخبگان حاکم ایران قابل مشاهده است. مهم‌ترین پیامد این رویکرد مرکزیت‌زدایی از الگوی غربی تجدد در جامعه ایران بود.

شوریه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ انگلیسی‌هراسی

^۲ روسی‌هراسی

منابع

فارسی:

آدمیت، فریدون (۱۳۴۸)، *امیرکبیر و ایران*، تهران: انتشارات خوارزمی.
اتابکی، تورج (۱۳۸۵)، *تجدد آمرانه*، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: انتشارات ققنوس.
جعفریان، محمد (۱۳۷۳)، *آموزش و پرورش در ژاپن (در نگاهی کاربردی)*، تهران: بی‌نا.
حائری، عبدالهادی (۱۳۶۴)، *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*، تهران: امیرکبیر.

سلامی، غلامرضا و افسانه نجم‌آبادی (۱۳۸۴)، *نهضت نسوان شرق*، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
سوگیتا، هیده آکی (۱۳۸۳)، «ژاپن نمونه تجدد در رستاخیز مردم باختر آسیا و شمال آفریقا»، ترجمه: توشیمی ایتو. در: *ژاپن دیروز و امروز: نگاهی به جامعه و فرهنگ سرزمین آفتاب و پیوندهای تمدنی و فرهنگی آن با ایران*، هاشم رجب‌زاده، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. طوسی، محمدعلی (۱۳۷۱)، *فراسوی خواستن*، تهران: شبابویز.

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۸۷)، *ناصرالدین شاه و گفتمان تجدد*، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه الزهرا.
کازاما، آکی نو (۱۳۸۰)، *سفرنامه کازاما: خاطرات آکی نو کازاما نخستین وزیر مختار ژاپن در ایران (۱۳۱۱-۱۳۰۸ خورشیدی)*، ترجمه هاشم رجب‌زاده، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

کانل. وف (۱۳۶۸)، *تاریخ آموزش و پرورش قرن بیستم*، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
ماتی، رودی (۱۳۸۲)، «آموزش و پرورش در دوره‌ی رضاشاه» در *شکل‌گیری ایران نوین: دولت و جامعه در دوران رضاشاه*، استفانی کرونین، ترجمه مرتضی ناقب فر، تهران: انتشارات جامی.

مرتون، اسکات (۱۳۶۴)، *تاریخ و فرهنگ ژاپن*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات امیرکبیر.
مطیع، ناهید (۱۳۸۷)، *مقایسه نقش نخبگان در فرآیند نوسازی ایران و ژاپن ۱۹۴۰-۱۹۲۰*، تهران: انتشار.

ناکانه، چیه (۱۳۶۹)، *جامعه ژاپنی*، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
واردی، محمد (۱۳۷۴)، *ژاپن*، تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات.

انگلیسی

Ringer, monica. m.(2001), *education, religion and the discourse of cultural reform in qagar iran*. california: mazda publisher

Komagai, kazunori.(n.d) value - creating pedagogy and Japanese Education in the modern era. <http://www.tomakiguchi.org/assets/images/komagai.pdf>

نشریات:

- عالم نسوان، ۱۳۰۷، ش ۷ و ۸، سال هفتم.
عالم نسوان، بهمن ۱۳۰۵، ش دوم، سال پنجم.
عالم نسوان، ۱۳۰۰، ش اول، سال دوم.
عالم نسوان، ۱۳۰۷، ش دوم، سال هفتم.
مجله تعلیم و تربیت، ۱۳۰۶، ش ۶ و ۵، سال سوم.
شفق سرخ، ۱۳۰۸، تیر ۱۳، ش ۱۲۴۶، سال هشتم.
شفق سرخ، ۱۳۰۵، ش ۶۵۶، سال پنجم.

